

سفت و سخت به دنبال مربیگری

در سربازی پی به اهمیت درس و مدرک تحصیلی برد. با خودش قرار گذاشت بعد از اتمام سربازی پی درس و دانشگاه را بگیرد. بعد از برگشت از خدمت، ظرف مدت شش ماه، خود را برای کنکور آماده کرد و در رشته روابط عمومی و ارتباطات مدرک

کارشناسی اش را گرفت.

هم زمان با تحصیل، در هیئت فوتبال، به عنوان مسئول کمیته عضوگیری، برگزیده شد. علاوه بر این، عضو کمیته اجرایی مسابقات هیئت فوتبال استان خراسان از سال ۹۰ تا ۹۴ هم بود. این مربی فوتبال می گوید: برای هیئت فوتبال استان خراسان کار می کردم، اما بعد از مدتی به دلایلی همکاری ام را قطع

بال شبه

گذراندن دوره های مربیگری، او را دوباره به سمت مستطیل سبز کشاند. در صحبت هایش اشاره می کند که با همه موفقیت هایی که در هند بال داشت، جذابیت و هیجان فوتبال سبب شد او باز هم به سمت این بازی پرهیجان کشیده شود. این مربی فوتبال می گوید: علاوه بر جذابیت و هیجان فوتبال، بازیکنان هند بال، دستمزدهای چندانی نمی گیرند و این بازی بین عموم مردم چندان محبوبیت ندارد. به همین دلیل نوجوانان و جوانان، انگیزه چندانی ندارند برای اینکه هند بالیست حرفه ای شوند.

بعد از اینکه مربیگری در باشگاه های مختلف را تجربه کرد، سال ۹۲ در حاشیه شهر، تیم فوتبال «آرمان» را تأسیس کرد. درباره اینکه چرا در حاشیه شهر فوتبال را پی گرفته است، این گونه توضیح می دهد: استعداد های بی نظیری در حاشیه شهر وجود دارد که به طور معمول دیده نمی شوند. از سویی معتقدم اگر ورزش در حاشیه شهر ازان و در دسترس باشد، گرایش به سمت آسیب های اجتماعی کمتر خواهد بود.

چرا جذب سپاهان شدم؟

درباره اینکه چرا جذب باشگاه سپاهان شده است، از او می پرسیم. خنده تلخی می کند و به پرسشمان این طور پاسخ می دهد: مشهد چند تیم فوتبال خوب داشت، اما متأسفانه این روزها دیگر خبری از آن همه استعداد و تیم های خوب نیست. آن روزها که مشهد حرفی برای گفتن داشت، بسیاری از شهر های دیگر، حتی یک تیم نداشتند. اکنون مشهد تیم هایش را از دست داده است و آن شهر ها توانسته اند تیم خوبی جمع کنند. باشگاه سپاهان، کار علمی و عملی را با هم انجام می دهد و از نظر استعدادیابی، حرفی برای گفتن دارد. آن ها آکادمی برای پرورش تیم پایه دارند و این یعنی اصول درست فوتبال. او با حسرت درباره استعداد های شهرمان می گوید: استعداد های فوتبال در شهرمان کم نیستند، اما متأسفانه برنامه ریزی درستی برای هدایت آن ها انجام نمی گیرد. به همین دلیل می بینم که شهر های دیگر، نوجوانان و جوانان شهرمان را جذب می کنند. متأسفانه در زمینه تیم داری چندان قوی عمل نکردیم و نتیجه اش این شده است که مشهد فوتبال درست و حسابی ندارد.

آرزو برای فوتبال مشهد

دل آقامرتضی درگیر مشهد و فوتبالش است. او آرزویش را این طور بیان می کند: دوست دارم مشهد هم مانند سپاهان که ۱۵۷ تیم ورزشی دارد، یک آکادمی قوی داشته باشد و استعداد های شهرمان را دور هم جمع کند. بسیاری از فوتبالی ها در حال حاضر دلسرد شده اند و دیگر مانند گذشته، دل و دماغی ندارند. امیدوارم روزی از این آشفته گی خارج شویم و بتوانیم تیم خوبی را راهی لیگ فوتبال کنیم.

نماینده باشگاه سپاهان در مشهد

بعد از ازدواج به دلیل اصفهانی بودن همسرش و رفت و آمد به این شهر، با مربیان و مسئول باشگاه سپاهان اصفهان آشنا شد. اومی گوید: هنگامی که بامسئولان باشگاه سپاهان آشنا شدم، پیشنهاد دادم علی رضا صادقی که یکی از شاگردانم بود، به این تیم اضافه شود. آن ها هم بعد از انجام تست،

او را جذب کردند. این روند در سال های بعدی هم ادامه پیدا کرد.

بعد از مدتی که برای باشگاه سپاهان فعالیت کرد، مسئولان باشگاه به او پیشنهاد کردند که نمایندگی باشگاه پایه سپاهان را در مشهد داشته باشد. از این رویکه، نام تیم آرمان را به سپاهان تغییر داد. حالا حدود سیزده سال است که او به عنوان نماینده پایه باشگاه سپاهان در مشهد فعالیت دارد.

بنیامین نظمی، پوریا میرزادوستی، امیرعلی قمری و ابوالفضل حداد را به تیم های اصفهانی و مهدی فاطمی و صهیب صاحب دل را به تیم های خارج از استان معرفی کرده است.

کردم. چندین ماه حقوقم را طلبکار بودم. همان روزها با خبر شدم کلاس های مربیگری درجه D آسیا در حال برگزاری است.

هیئت فوتبال به جای پرداخت پول، مرتضی را در این کلاس هائیت نام کرد و همین باعث شد سفت و سخت تر به دنبال مربیگری برود. به طوری که بین سال های ۹۲ تا ۹۷ چندین مدرک مربیگری و دروازه بانی دریافت کرد.

مربی نیست؛ برادر است

امیرحسین وارسته از هشت سالگی فوتبال را شروع کرده است. او از طریق دوستانش با مرتضی یکه و تیم سپاهان در مشهد آشنا شده است. امیرحسین این روزها مشغول تمرین برای مسابقات فصل جدید فوتبال است. وارسته بیست و یک ساله خاطرات بسیاری از روزهای تمرین با آقامرتضی و تیمش دارد. آن ها تمرینات فشرده ای برای شرکت در مسابقات داشتند؛ روزهایی که تمرینشان حتی با وجود گرما و سرما تعطیل نمی شد. این فوتبالیست می گوید: آقامرتضی برای ما مربی نبود و نیست؛ یک برادر بزرگ تر است که حواسش به بازیکنانش هست.

این فوتبالیست برایمان از روزهایی می گوید که بازیکنان، ناراحت و خسته از باختشان به باشگاه برمی گشتند، اما او با خت را گردن می گرفت و بچه ها را سرزنش نمی کرد و می گفت لابد کوتاهی از خودش بوده است. آن روزهایی هم که مسابقه را می بردند، وقتی به جمعشان می آمد می گفت بردتان، نتیجه تلاش خودتان است و مبارکتان باشد.

یکی از خاطره های شیرین امیرحسین به همین موضوع برد و باختشان برمی گردد. او این طور روایت می کند: آن روز مقابل یکی از تیم ها باخت بودیم. کاپیتان تیم بودم. آقامرتضی از زمین بیرونم آورد و بازوبند کاپیتانی را از من گرفت، گفت عملکردت خوب نبوده است. خیلی ناراحت بودم. اما فردا صبح زنگ زد و گفت بلند شو بیا سر تمرین. انگار نه انگار که اتفاقی افتاده است. دوباره مانند قبل خوش و بش و بگو بخند داشتیم.

این فوتبالیست یکی از نقاط قوت مربی اش را سطح بالای فنی اش می داند و می گوید: از نظر فنی و اداره تیم، آقامرتضی بسیار قوی عمل می کند. کسی که با او کار کند، متوجه می شود که او یک سر و گردن از مربی های دیگر بالاتر است. شاید به همین دلیل است که فوتبالیست های خوبی را روانه تیم های کند.

مربی ای که به پیشرفت بازیکن کمک می کند

احمد رضا محمدی متولد رشت خوار و ۲۱ سالش است. از سیزده سالگی برای فوتبال به مشهد آمد. از طریق دوستانش با مرتضی یکه آشنا شده است. او در زمین چمن محله خلع بازی می کرد و حالا هم در حال آماده شدن برای فصل جدید فوتبال است. این فوتبالیست که در تیم های شهر های دیگر بازی کرده است، می گوید: آن زمان در زمین چمن نصرت که در محله ای کم برخوردار بود، بازی می کردیم. آقامرتضی با آنکه می دانست ما توان مالی خوبی نداریم، از کارش نمی زد و خوب با ما تمرین می کرد. دربند پول نیست و بیشتر دوست دارد بازیکنش رشد و ارتقا پیدا کند.

احمد رضا یکی از ویژگی های خوبی که دارد را دلسوز بودنش می داند و می گوید: آقامرتضی فقط مربی فوتبال نیست. به جز فوتبال و مسابقات پیگیر مسائل بازیکنان هم هست. اگر مشکلی داشته باشند، دنبال کارشان می افتد تا حل و فصلش کند. محمدی که در مشهد تنها زندگی می کند، دلسوزی و پیگیری مربی اش را در امور مختلف بارها تجربه کرده است. این فوتبالیست ادامه می دهد: چند فصل قبل که برای تیم مس رفسنجان بازی می کردم، بعد از پایان فصل، باز هم از آن ها درخواست بازی داشتم. هر چه آقامرتضی گفت بمان در تیم، حرفش را گوش نکردم و این به ضررم شد و تمرینات فوتبالم با مشکل مواجه شد.

